



سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲



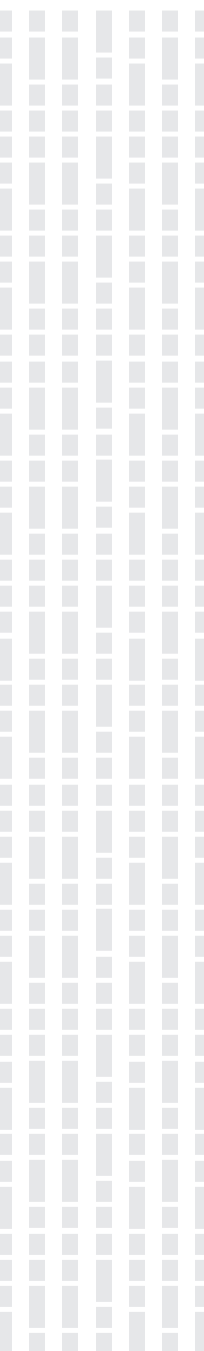
شماره ۳۹۸۹



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY



تنها یک چهارم سرزمین‌های اشغالی باقی مانده است

در مسیر خروج از زمین‌های ۱۹۴۸؟



سید مهدی طالبی
نخستین گروه جهان‌شهر

رژیم صهیونیستی نسبت به دوران اوجش، وسعت اشغالگری‌هایش شامل ۸۰ هزار کیلومتر مربع از سرزمین‌های فلسطین، مصر، سوریه و لبنان می‌شد، چهار برابر کوچک‌تر شده. این سرزمین‌ها نه با صلح و یا مذاکره که با فشارهای نظامی مختلف از چنگ صهیونیست‌ها خارج شده است. عملیات طوفان الاقصی در هفتم اکتبر، در حال به چالش کشیدن صهیونیست‌ها در ۲۲ هزار کیلومتر مربع باقی‌مانده است. خیلی سخت نیست درک روزهای پس از جنگ، صهیونیست‌ها به‌عید است جرأت کنند در غلاف غزه یا نزدیک جنوب لبنان ساکن شوند.

چرا رژیم از عینک متحدانش هم اشغالگراست؟

رژیم صهیونیستی به‌طور کلی بر اساس اشغالگری شکل گرفته و حتی اگر یک متر مربع را نیز در دست داشته باشد، آنجا منطقه‌ای اشغالی به حساب می‌آید. این دیدگاه در میان دشمنان رژیم فراگیر و قاطع است، اما اگر از عینک صهیونیست‌ها نیز به اقدامات و کنترل سرزمینی آنها نگاه کنیم، آنها اقداماتی در حوزه اشغالگری داشته‌اند.

بر اساس طرح‌های سازمان ملل، قرار بود فلسطین بین فلسطینیان و یهودیان ساکن این سرزمین تقسیم شود که بر مبنای آن سه منطقه جدای از هم یعنی کرانه باختری، نوار غزه و الجلیل به فلسطینیان تعلق می‌گرفت. این طرح که در قالب قطعنامه شماره ۱۸۱ سازمان ملل منعکس شده و مورد رای‌گیری در مجمع عمومی قرار گرفت، ۵۵ درصد فلسطین را در اختیار یهودیان قرار می‌داد. با این وجود یهودیان پس از تشدید شورش خود علیه مردم فلسطین و دولت انگلیس که در آن برهه کنترل این سرزمین را در دست داشت، موفق شدند الجلیل را به‌طور کامل اشغال کرده و از وسعت کرانه باختری و نوار غزه بکاهند؛ در نتیجه رژیم صهیونیستی در شرایطی تشکیل شد که نسبت به طرح متحدانش غربی‌اش، مناطق بیشتری را اشغال کرده و سهم ۵۵ درصدی خود را به ۸۰ درصد رسانده بود. اگر دولت‌ها و بخشی از افکار عمومی تشکیل رژیم را براساس قطعنامه ۱۸۱ مشروع بدانند، صهیونیست‌ها ۲۵ درصد بیشتر از این طرح، سرزمین‌های فلسطین را تصرف کرده‌اند. با این حال کشورهای غربی علی‌رغم رای‌گیری خود برای مشروعیت دهی به رژیم، به‌جای ۵۵ درصد، تل‌آویو را در ۸۰ درصد فلسطین به‌روسیت شناختند که ۲۲ هزار کیلومتر مربع از مجموع ۲۷ هزار کیلومتر مربع سرزمین فلسطین را شامل می‌شد؛ منطقه‌ای که به سرزمین ۱۹۴۸ مشهور شد.

صهیونیست‌ها در سال ۱۹۵۶ پس از آنکه انگلیس و فرانسه تصمیم گرفتند در واکنش به ملی ساختن کانال سوئز توسط جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر به این کشور حمله کنند، با آنها هماهنگ شده و با استفاده از این فرصت موفق شد صحرای سینا را اشغال کند. این منطقه که ۶۰ هزار کیلومتر مربع وسعت داشت، تقریباً ۲۷ برابر سرزمین ۱۹۴۸ به‌عنوان سرزمین رسمی صهیونیست‌ها بود؛ هرچند تل‌آویو تحت فشارها و بر اساس توافق شوروی و آمریکا از این منطقه به‌سرعت خارج شد. با این حال چشم رژیم همچنان به‌دنبال صحرای سینا بود. صهیونیست‌ها در جریان جنگ شش روزه ۱۹۶۷ به‌طور ناگهانی به سرزمین‌های باقی‌مانده فلسطین، مصر و سوریه حمله کردند. در این جنگ دو منطقه کرانه باختری و غزه که سرزمین‌های باقی‌مانده در دست فلسطینیان به‌شمار می‌رفتند و با ۵ هزار کیلومتر مربع ۲۰ درصد سرزمین فلسطین را شامل می‌شدند، اشغال کردند. آنها همچنین بلندی‌های جولان متعلق به سوریه را با ۱۸۰۰ کیلومتر مربع و صحرای سینا متعلق به مصر را با ۶۰ هزار کیلومتر مربع تصرف کردند. وسعت مجموع سرزمین‌های ۱۹۶۷ (شامل کرانه باختری و غزه، بلندی‌های جولان سوریه و صحرای سینا به ۶۶ هزار کیلومتر مربع می‌رسید که سه برابر وسعت سرزمین ۱۹۴۸ به‌عنوان مرزهای رسمی رژیم بود. با احتساب این مناطق، وسعت مجموع مناطق تحت اشغال صهیونیست‌ها به ۸۸ هزار کیلومتر مربع رسیده و وسعت رژیم تنها طی شش روز چهار برابر شد.

رژیم در سال ۱۹۸۲ جنوب لبنان تا بیروت، پایتخت این کشور را به اشغال خود درآورد که تقریباً نیمی از وسعت ۱۰ هزار کیلومتری این کشور بود. وسعت تقریباً ۵ هزار کیلومتری نیمه جنوبی لبنان که به اشغال تل‌آویو درآمده بود نیز به‌لحاظ نسبت، معادل یک چهارم وسعت سرزمین ۱۹۴۸ بود.

از کدام مناطق عقب‌رانده شدند؟

پس از اشغال صحرای سینا توسط رژیم، فاصله ۳۰۰ کیلومتری سرزمین‌های اشغالی با قاهره، پایتخت مصر به نزدیک ۱۰۰ کیلومتر رسید. اگر تا پیش از این استقرار نظامیان مصری در صحرای سینا، خطر موجودیتی برای صهیونیست‌ها بود و می‌توانست سایه اشغال کامل را بر فراز رژیم ایجاد کند، این‌بار احتمال داشت صهیونیست‌ها در یورش ناگهانی و پر حجم مانند سال ۱۹۶۷، قاهره و اسکندریه دو شهر اصلی مصر را اشغال کنند. چنین خطری دمشق را نیز تهدید می‌کرد، زیرا از بلندی‌های جولان تا دمشق تنها ۷۰ کیلومتر فاصله بود، مضاف بر آنکه صهیونیست‌ها با اشغال جولان، بر این شهر به‌لحاظ اطلاعاتی و توپخانه‌ای مشرف بودند. در نتیجه دو کشور در ۱۷ اکتبر ۱۹۷۳، عملیات نظامی علیه رژیم صهیونیستی را آغاز کردند. این جنگ برای نخستین‌بار سایه خطر موجودیتی را که صهیونیست‌ها از آن هراس داشتند، بالای سر آنان گسترده کرد. بر همین اساس تل‌آویو برای نخستین‌بار به فکر استفاده از سلاح هسته‌ای در صورت لزوم افتاد. آمریکا برای دفاع از رژیم و جلوگیری از به‌کارگیری سلاح هسته‌ای کمک‌های نظامی گسترده‌ای به صهیونیست‌ها ارائه کرد که موثر واقع شده و موضع آنان را که تا پیش از آن در جنگ شکست خورده بودند، تقویت کرد. با فشارهای بین‌المللی و بازیابی روحیه صهیونیست‌ها، مصر و سوریه چاره‌ای جز ترک مخاصمه ندیدند، اما صهیونیست‌ها که در سال ۱۹۷۳ تا مرز از دست دادن کل سرزمین‌های تحت اشغال‌شان رفته بودند، به پیشنهاد یا فشار آمریکا ناچار شدند از صحرای سینا خارج شوند. واشنگتن امید داشت با این حربه مصر را که پیرو مسکو بود وارد جرگه متحدان خود کند و صهیونیست‌ها را نیز از فشار قدرت نظامی این کشور رها سازد.

بر همین اساس ابتدا دو کشور توافق صلح کمپ دیوید را با میانجیگری آمریکا در سال ۱۹۸۲ به امضا رساندند و بر پایه آن، صهیونیست‌ها تا سال ۱۹۸۲ صحرای سینا را تخلیه کردند. در پی این خروج، تل‌آویو ۱۸ شهرک

صهیونیست‌نشین این منطقه را برچید و ساکنان آن را به داخل فلسطین بازگرداند.

از این رو منطقه وسیع و مهم صحرای سینا هر چند به شکل خسارت‌بار، به‌طور رسمی از اشغال صهیونیست‌ها خارج شد. با این حال مصری‌ها قول دادند در این منطقه دیگر ارتشی مستقر نکنند و برای هرگونه تحرکات نظامی لازم برای سرکوب شورشیان و قبایل حاضر در آن با صهیونیست‌ها هماهنگ باشند. همچنین آمریکا و رژیم، حقی برای سیطره اطلاعاتی در این منطقه به‌دست آوردند. با تمام این مشکلات، صحرای سینا نخستین سرزمینی بود که از اشغال صهیونیست‌ها به‌صورت رسمی خارج می‌شد. دومین منطقه، جنوب لبنان بود. رژیم که در سال ۱۹۸۲ نیمه جنوبی لبنان را اشغال کرده بود، با فشار نظامی نیروهای مقاومت لبنان تا سال ۱۹۸۵ به مرور از بخش اعظم مناطق اشغالی خارج شدند. با این حال همچنان از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰ از ارتش جنوب لبنان حمایت می‌کرد که منطقه‌ای حائل بین لبنان و سرزمین‌های اشغالی بود. این منطقه که ۸۰۰ کیلومتر مربع وسعت داشت نهایتاً در سال ۲۰۰۰ با عقب‌نشینی صهیونیست‌ها طی یک روز به‌طور ناگهانی فروپاشید. پس از صحرای سینا در دهه ۱۹۸۰، جنوب لبنان دومین منطقه اشغالی‌ای بود که صهیونیست‌ها از آن به‌طور کامل خارج می‌شدند. با وجود فاصله ۱۸ ساله میان خروج از صحرای سینا تا خروج از جنوب لبنان، دفعه سوم بسیار زودتر رخ داد. تنها پنج سال پس از پاک‌سازی لبنان، صهیونیست‌ها تحت فشار انتفاضه دوم ناچار شدند در سال ۲۰۰۵ به‌طور کامل از نوار غزه عقب‌نشینی کنند. غزه هر چند در تاریخ خروج صهیونیست‌ها از مناطق اشغالی‌شان سومین مورد بود اما این منطقه نخستین بخش از خاک فلسطین بود که از سلطه رژیم رها شد. تل‌آویو با این خروج، ۲۱ شهرک صهیونیست‌نشین این منطقه را نیز برچیدند. از آنجا که کرانه باختری بخش دیگر انتفاضه دوم بود، صهیونیست‌ها ناچار شدند چهار شهرک در شمال این منطقه را هم برچینند.

کرانه باختری در معرض شورش

صهیونیست‌ها با وجود برچیده شدن چهار شهرک صهیونیست‌نشین در شمال کرانه باختری به دلیل نامی در آنها به‌دنبال نزدیکی به کانون‌های انتفاضه مانند شهر جنین، بر شدت شهرک‌سازی خود در این منطقه افزودند. در نتیجه تعداد شهرک‌نشینان از ۴۰۰ هزار نفر به ۷۰۰ هزار نفر رسید. در سال ۲۰۲۰ کستت رژیم صهیونیستی تخمین زد که ۴۰۰ هزار سلاح غیرقانونی در اسرائیل در گردش است. بخشی از این سلاح‌ها در کرانه

باختری دست‌به‌دست می‌شود. به‌دنبال تشدید مسلح‌سازی کرانه باختری و افزایش شکاف میان شهرک‌نشینان و فلسطینیان، صهیونیست‌ها تا پیش از «طوفان الاقصی» تقریباً ۷۰ درصد نیروی زمینی خود را با هفت لشکر در این منطقه مستقر ساختند. به‌لحاظ نفرات، تعداد نظامیان صهیونیست در کرانه باختری ۵ هزار کیلومتری به ۳۵۰ هزار نفر می‌رسید. تمرکز این میزان نیرو در کرانه باختری درحالی‌که تنش‌ها با لبنان در مرزهای شمالی و جولان در حال تشدید بود، نشان‌دهنده عمق بحرانی بود که صهیونیست‌ها در این منطقه حس می‌کردند؛ هر چند وضعیت صهیونیست‌ها درحال حاضر در کرانه باختری نسبت به منطقه غلاف غزه و الجلیل بهتر است، اما به نظر می‌رسد مهاجرت‌ها از این منطقه نیز به‌سمت خط ساحلی حیفا-تل‌آویو شکل خواهد گرفت.

وقتی کار به خروج از سرزمین ۱۹۴۸ می‌رسد

رسانه‌های عبری اعلام کردند در نخستین روز جنگ که به‌کشته شدن نزدیک دوهزار نفر از ساکنان مناطق صهیونیست‌نشین اطراف نوار غزه انجامید، ۶۰ هزار نفر از آنان به‌سرعت از این منطقه گریختند. دیگر ساکنان نیز که ناتوان بودند یا در میان تبادل آتش گرفتار شده بودند، روزهای بعد به فراریان پیوستند. نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر صهیونیست‌گریخته از منطقه غلاف غزه، راهی مناطق داخلی سرزمین‌های اشغالی شده‌اند تا در هتل‌ها و تاسیسات دولتی به‌عنوان آوارگان جنگ سکونت کنند. با این حال براساس آنچه تارنمای عبری‌زبان روتز نت گزارش کرده، بیش از ۹۰ درصد از شهرک‌نشینان آواره اعلام کرده‌اند دیگر هرگز به غلاف غزه باز نخواهند گشت.

شلویت‌تسور، روزنامه‌نگار صهیونیست که با تعدادی از این صهیونیست‌ها مصاحبه و آن را در روزنامه عبری‌زبان دی‌ماکر منتشر کرده است، نوشته تعدادی از شهرک‌نشینان نه‌تنها از عدم بازگشت صحبت می‌کنند، بلکه به‌دنبال خروج کامل از سرزمین‌های اشغالی هستند. با این حساب ۲۲ شهرک صهیونیست ساکن در غلاف غزه از اکتبر ۲۰۲۳ به همان سروشتی دچار شده‌اند که ۲۱ شهرک صهیونیست‌نشین نوار غزه در سال ۲۰۰۵ به آن دچار شده‌اند؛ با این تفاوت که در سال ۲۰۰۵ دولت رژیم نیز موافق دائم شهرک‌نشینان بود اما تاکنون علی‌رغم دستور رسمی تخلیه این شهرک‌ها، نسبت به آینده آن موضع‌گیری نکرده است.

درکنار خروج ۱۰۰ نفر از ساکنان غلاف غزه، احتمال دارد دیگر ساکنان استان جنوب در رژیم نیز به فکر فرار به‌سمت مناطق مرکزی بیفتند. تعداد ساکنان این منطقه به یک میلیون نفر می‌رسد.

درکنار اوضاع ملتهب جنوب که جنگ در آن جریان دارد، به‌نظر می‌رسد به‌لحاظ آوارگان منطقه شمال وضعیت بدتری دارد. در این منطقه جنگ به‌شکل غیررسمی و همراه با زردخورد‌های مرزی جریان داشته اما درخلال آن تاکنون دست‌کم ۱۶۰ نظامی صهیونیست به هلاکت رسیده یا زخمی شده‌اند. به‌همین دلیل تل‌آویو تاکنون ۲۷ هزار صهیونیست از ۲۸ شهرک در مرزهای لبنان را به مناطق داخلی‌تر منتقل ساخته و تخلیه ۲۳ هزار ساکن شهرک شهرک کریات الشموه را نیز کلید زده است. با این حال چنین خروج‌هایی به دستورهای رسمی باز می‌گردد. در این موارد دولت دستور تخلیه کامل ساکنان را می‌دهد اما شهرک‌نشینان بسیاری در منطقه شمال بدون آنکه

دستوری وجود داشته باشند، به‌سمت مناطق داخلی گریخته‌اند. شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی در نخستین روزهای جنگ اعلام کرد که بیش از ۷۵ درصد صهیونیست‌های ساکن الجلیل در شمال فلسطین اشغالی از ترس نفوذ و حمله احتمالی مبارزان مقاومت این منطقه راترک کرده و به دیگر مناطق رفته‌اند. ۱۰ سال قبل در سال ۲۰۱۳، این منطقه شامل ۶۵۰ هزار فلسطینی و ۵۴۰ هزار صهیونیست می‌شد. اگر این تعداد را ثابت بدانیم و مینا قرار دهیم، ۴۰۵ هزار صهیونیست از منطقه الجلیل گریخته‌اند. این تعداد به‌طور تخمینی چیزی در حدود یک‌دهم یا یک‌پانزدهم جمعیت صهیونیست‌های غاصب ساکن در سرزمین‌های اشغالی است. ۴۰۵ هزار صهیونیست گریخته از الجلیل به دیگر مناطق مهاجرت نکرده‌اند، بلکه به شکل آواره، راهی بخش‌های داخلی‌تر شده‌اند. همچنین این تعداد در فقدان امکان حضور در کرانه باختری و جنوب، راهی جز مناطق مرکزی و شهرهایی مانند حیفا و تل‌آویو ندارند. با توجه به صدها هزار صهیونیست آواره شده از شهرک‌های اطراف غزه، می‌توان گفت امروزه تقریباً از هر ۱۰ صهیونیست، یک نفر آواره شده است.

آیا اخراج صهیونیست‌ها رویاست؟

صهیونیست‌ها تقریباً یک چهارم جغرافیایی را که در جریان اشغالگری‌شان تصرف کرده بودند به‌شکل رسمی در دست دارند. با این حال در همین منطقه محدود برتری جمعیتی و نظامی‌شان به چالش کشیده شده است. سرزمین ۱۹۴۸ که هسته اصلی رژیم و باقی‌مانده مناطق اشغال‌شده منطقه صهیونیست‌هاست، امروز به لایه‌های مختلفی تبدیل شده که در بخشی از آنها دولت دستور رسمی تخلیه را صادر کرده (غزه و نوار مرزی شمال در مجاورت لبنان) و در مناطق دیگری مانند الجلیل و استان جنوب بسیاری از ساکنان بدون وجود دستور رسمی به‌سمت مناطق مرکزی‌تر گریخته‌اند.

